ویژه سی و سومین جشنواره فیلم فجر

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

سه شنبه / ۱۴ بهمن / ۱۳۹۳
۱۳ / ربیع الثانی / ۱۴۳۶
3 / Feb / 2015
قیمت ۵۰۰۰ ریال

شماره پیامک ۳۰۰۰۴۸۰۲۶۰۰۶۰۰

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب اداره ارشاد کرج
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳ -۰۲۶
فکس اینترنتی: ۸۹۷۸۶۷۳۹- ۰۲۱
ایمیل: info@payamdaily.ir
چاپ: کارگر

کوتاه از جشنواره سی و سوم

نتیجه آرای تماشاگران تا پایان روز اول

«عصر یخبندان» در صدر

به گزارش اطلاع رسانی و ارتباطات سی و سومین جشنواره فیلم فجر، از خانه سینما، از مجموع ۶۱۰۸ برگ رای شمارش شده به ترتیب فیلم **عصر یخبندان** به کارگردانی مصطفی کیایی با میانگین امتیاز ۳/۰۵ در رتبه نخست، فیلم **کوچه بی نام** به کارگردانی هاتف علیمردانی با میانگین امتیاز ۲/۸۸ در رتبه دوم و فیلم **اعترافات ذهن خطرناک من** به کارگردانی هومن سیدی با میانگین ۲/۶۹ حائز رتبه سوم شده اند.

●●●

سعید آقاخانی:

باز هم نقش جدی بازی می کنم

بازیگر فیلم «خداحافظی طولانی» گفت: دوست دارم بار دیگر در نقش های جدی بازی کنم و امیدوارم پیش بینی منتقدانی که من را بخت سیمرغ دانسته اند درست از آب دربیاید.

به گزارش پیام آشنا سعید آقاخانی بازیگر فیلم خداحافظی طولانی با اشاره به اینکه فیلم کمدی یا جدی برایش فرقی ندارد، اظهار داشت: علاوه بر مسائل اقتصادی، فیلمنامه خوب و حضور فرزاد موتمن در مقام کارگردان، من را ترغیب به پذیرفتن این نقش کرد.

آقاخانی در واکنش به اینکه چقدر بازی در نقش جدی موجب تحول بازیگریش از کمدی به جدی خواهد شـــد گفت: فکر نمی کنم مسیر بازیگری ام تغییر کند چرا که آنچه برای من مهم است فیلمنامه خوب است، جدی باشد یا کمدی فرقی ندارد.

وی اظهار امیدواری کرد که بار دیگر نقش های جدی به وی پیشنهاد شود.

●●●

مسیر سرویس های ایاب و ذهاب خبرنگاران جشنواره فیلم فجر به برج میلاد اعلام شد

ساعت حرکت و مسیر ترددهای سرویس های ویژه سی و سومین دوره جشنواره فیلم فجر اعلام شد.

به گزارش پیام آشـــنا بر اساس هماهنگی های صورت گرفته هر روز از ســـاعت ۹ صبح تا ۲۴ در زمان های مشخص شده سرویس های ایاب و ذهاب بر اساس مسیرهای تعیین شده آماده انتقال اهالی رسانه به برج میلاد محل برگزاری سی و سومین جشنواره بین المللی فیلم فجر هستند.

حرکت این ســـرویس ها از مبدا به سمت برج میلاد از ساعت ۹، ۱۳، ۱۵:۰۵، ۱۸، ۱۸:۲۰، ۲۰:۳۰، ۲۰:۴۵ و ساعت حرکت آنها از برج میلاد به مسیرهای تعیین شده به منظور بازگرداندن اهالی رسانه به محل های مورد نظر به ترتیب از ساعت ۱۲، ۱۶، ۱۶:۱۰، ۱۸، ۱۸:۱۰، ۲۱، ۲۱:۱۰ و ۲۳:۳۵ است.

استفاده از این سرویس ها فقط با کارت های صادر شده از سوی ستاد برگزاری جشنواره امکان پذیر است.

بر این اســـاس مسیر تردد و زمان حرکت سرویس‌ها از میادین اصلی شهر و برج میلاد بدین شرح است:

مسیر یک: میدان هفت تیر (مدرس روبروی مسجد الجواد زیر پل عابر پیاده) میدان ولیعصر، فاطمی، ابتدای گیشا، برج میلاد

مســـیر دو: میدان رسالت (بعد از مسجد سمت راست ابتدای کوچه یزدان پناه) ایستگاه اتوبوس (نرسیده به پل سیدخندان) مترو مصلی، حکیم، برج میلاد

مسیر سه: میدان نواب (خیابان جمهوری، ابتدای کوچه کلهر) نواب، ابتدای گیشا، حکیم، برج میلاد

مسیر چهار: انقلاب (ابتدای جمالزاده دویست متر بالاتر) کارگر، زیر پل گیشا، حکیم، برج میلاد

مسیر پنج: آزادی (۳۰۰ متر بالاتر از محمدعلی جناح زیر پل عابر پیاده) صادقیه، ابتدای حکیم، برج میلاد

روز جمعه ساعت ۱۳:۰۰ شروع سرویس ها می باشد.

برش های کوتاه

احمد شاهوند

بعدازظهر روز دوم ...

۱ - فـــرزاد موتمـــن در «خداحافظی طولانی» همانطور کـــه از نام فیلم بر می آید یک «خداحافظی» را بدون هیچ اوج و فرودی «طولانی» کرده است. محو شدن حضور ماهرو در خیال یحیی و پررنگ شدن عشقی جدید در زندگی واقعی او که به خودی خود ایده جذابی اســـت، علی رغم استفاده درست به جا از تغییر تدریجی رنگ و قاب بندی های درســـت و به جا، متاســـفانه با فیلمنامه ای یک خطی و بدون شاخ و برگ، کند، ملال آور و خنثی شـــده است. ســـعید آقاخانی با توجه به توانایی هایش فرصت این را داشت تا یکی از بهترین بازی های جشـــنواره امســـال را رقم بزند، اما متاسفانه فیلمنامه یک خطی فیلم این فرصت را از او دریغ کرده اســـت. موســـیقی پرحجم که در اکثر دقایق، سازی جداگانه می زند هم در تاثیرگذاری برخی فصل ها، مسیری معکوس را طی کرده اســـت. «خداحافظی طولانی» که یکی از بدترین عنوان بندی های جشنواره امسال را داشـــت، با تاکید بر تنهایی برادر ماهرو زیر باران همراه با فیلم «ناهید» تا اینجا بدترین پایان بندی های جشنواره را نیز از آن خود کرده است.

۲ - بالاخره در سانس دوم روز دوم چشم و گوشمان به جمال یک فیلم خوش ساخت روشن شد. **چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت** اولین ساخته وحید جلیلوند با فیلمنامه ای روان و پرجزییات و بازیهای یکدست و تحسین برانگیز حسابی حالمان را جا آورد. سه داستان به ظاهر مجزا در یک سوم پایانی با مهارتی مثال زدنی به هم متصل می شوند و هیچ نقطه مبهم و اضافه ای باقی نمی ماند. بازیهای در خور توجه امیرآقایی، آفرین عبیسی و برزو ارجمند در کنار بازی فوق العاده و تحسین برانگیز دو چهره جدید علی جلیلوند در نقش همســـر نیکی کریمی و سحر احمدزاده در نقش ستاره از نقاط قوت تیم بازیگری فیلم است. نیکی کریمی هم که سند نقش زن مظلوم و نالان را به نام زده است، در این فیلم هم تلاشـــی برای جدا شدن از این کاراکتر نکرده است. جای این فیلم بشدت در بخش مسابقه خالی است و امیدوارم تنها فیلمی باشد که جای خالی اش در بخش اصلی حس می شود تا عملکرد هیات داوران نمره قبولی بگیرد.

۳ - در اینکه **خانه دختر** در کارنامه سینمایی شهرام شاه حسینی و با فاصله ای بسیار زیاد در صدر قرار می گیرد شکی نیست. در کنار ضرباهنگ یکدست و بازی های نسبتا روان و موسیقی گوشنواز و تصاویر بکر فیلم و بخصوص در بازی با آینه و شیشه، کمرنگ شدن شخصیت های پریسا و بهار با بازی باران کوثری و پگاه آهنگرانی در نیمه دوم تا حدی که در انتها اضافی به نظر می آیند و نکات پرابهامی چون دلیل ارسال اس ام اس و ایمیل از طرف خواهر سمیرا به پریسا و باران و چگونگی مرگ سمیرا فیلم را از رسیدن به درجه «خوب» باز می دارد. بازی روان و دور از اغراق حامد بهداد بارزترین نکته بازیگری فیلم در کنار دیگر بازی های متوسط فیلم است.

۴ - روز دوم هم به پایان رسید و کارت خبرنگاری همچنان با ریتمی کند و کشدار در راه رسیدن از دفتر جشنواره به برج میلاد است و امیدوارم تا روز آخر حداقل چشمم به جمال این کارت کذایی روشن شود.

کافه‌جشنواره

مجتبی اردشیری

گذشت دو روز و رو شدن تنها یک فیلم خوب!

بوفالو ایده بسیار خوبی دارد اما شخصیت پردازی های ضعیفی دارد و شعاری عمل می کند و در حالی که سوالات بسیاری را مطرح می نماید، بدون پاسخ دادن به آنها به پایان می رسد.بازی های این فیلم خوب هستند و احتمالا یکی از بازیگر اصلی آن در میان نامزدهای عنوان بهترین بازیگر قرار خواهد داشت.

این ســـیب هم برای تو حقیقتا ضعیف ترین و بدترین ســـاخته الوند تا به امروز محســـوب می شود.یک کپی برداری بســـیار ضعیف از روی فیلم قبلی خود یعنی «پرتقال خونی» با درونمایه هایی از سینمای بالیوودی و بازی هایی به شدت بد.

خداحافظی طولانی خیلی کمتر از پتانســـیل بالقوه خود عمل کرد. فیلمی که به مانند پوستر کلاسیک خود، شاید اگر ده سال پیش ساخته می شد، با اقبال بیشتری مواجه می گشـــت. فیلم نتوانسته به مدد موقعیت هایی که به شکل نصفه و نیمه مطرح کرده، دســـت به داستان پردازی زده و از ســـه کاراکتر اصلی خود، استفاده دراماتیک تری به عمل آورد در حالی که می شد با توجه به موقعیت فقر مالی یحیی، که هیچ کارکرد دراماتیکی ندارد، داستانک ها و موقعیت های خوبی به وجود آورد که ضرباهنگ داستان را نیز با سرعت بیشتری مواجه می ساخت.

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت نخستین تجربه موفق سینمای اپیزودیک در ایران است. توالی تز و آنتی تز و ســـنتز و نمونه عینی لازم و ملزوم بودن فرم و نوشـــتار؛ و این برخلاف تعریف غلطی است که از سینمای اپیزودیک در ایران می شود که تنها هدف، وسیله را توجیه کرده تا بر مبنای آن، داستانی برگرفته از هدفی مشترک، میان سه فرد یا خانواده رخ داده و در نهایت، هدف، وجه مشترک آن سه اپیزود قرار می گیرد و در نگاه خلاقانه ترش، برخی آدم های مشترک اپیزودهای دیگر، با یکدیگر تلاقی پیدا می کنند وجه مشترک سه اپیزود در این فیلم، نقد عصبیت های رایج و تفاخر نگاه انسانی است که گویی به عنوان گمشده جامعه ما مطرح می شود و این همان نقد درستی است که می توان از اجتماع به عمل آورد بدون آن که به مرزهای سیاه نمایی نزدیک شد و این خود، دومین برگ برنده تیزهوشانه نویسنده و کارگردان است که خیلی راحت به طرح مساله پرداخته و در مواقع بسیاری، این فضای رایج و مرسوم را به نقد می کشاند و حتی در این مورد نیز به بیان عصبیت می پردازد که تجلی آن در فریادها و دغدغه های قلبی قهرمان داســـتان است که آن نیز از سوی همسر وی به نقد کشیده می شود بدون آن که داوری خاص و ملموسی از آن شود؛ نمایش یک آزادی عقیده از سوی هر دو جریان معتقد به نقد و مخالف نقد.

حکایت عاشقی یک فیلم تکراری بدون خلاقیت است و نمونه های مشابه آن را بارها مشاهده کرده ایم؛ نمونه هایی که بیشترشان به شکست انجامیدند و حال یک فیلمســـاز اولی، که طبیعتا برای انتخاب نخست خود، حساسیت و توجه بیشتری دارد، قـــدم در همان راهی گذاشـــت که آن فیلم ها گذاشـــته بودند و نتیجه هم مشخص شد.

دست به نقد

سیدرضا صائمی

روایت‌های ناتمام

خداحافظی طولانی / این بار با یک فرزاد موتمن جدید مواجه هستیم که نه شبیه **شب های روشن** است و نه مثل **پوپک و مش ماشاا...** در **خداحافظی طولانی** شاهد بازگشت او به سینمای دهه ۶۰ هستیم که شاید درپی یک نوستالژی بازی دردلتنگی های مدرنیته بی رحم امروز برای آدمی رخ می دهد. او نه با یک نگاه روشـــنفکرانه بلکه دریک تلاش همدلانه تلاش کرده تا به دشـــواری های زیست جهان کارگری پرداخته و به نوعی روانکاوی طبقه کارگر دســـت بزند. شاید **خداحافظی طولانی** را بتوان یک تراژدی عاشقانه کارگری قلمداد که کنتراست محیطی/فرهنگی این طبقه با تجربه رومانتیک عشق بستری جذاب فراهم می کند تا تقابل های اجتماعی دردر یک کنشمندی عاطفی دشوار به نمایش بگذارد. البته فیلم واجد پیرنگ اخلاقی نیز هســـت و موقعیت دوگانه یحیی در کنشمندی با یک دو زن و مواجهه اخلاقی او با موقعیت بیمار همسرش ســـویه دیگری از درام را تشکیل می دهد اما **خداحافظی طولانی** علیرغم ایده خوبش طولانی اســـت و مکث های کشدارش خارج از منطق قصه و فضا ســـازی هایش آزار دهنده است. با این حال بازی خوب سعید آقاخانی از امتیازات این فیلم است.

بوفالو / ایده خوبی که در نیمه رها می شـــود و به جای طول مدام در عرض قصه پیش می رود. هرچند به عنوان یک فیلم اولی می توان به کاوه ســـجادی حسینی نمره خوبی داد. قاب بندی ها و فرم بصری فیلم جذابیت های لازم را دارد و فیلمساز تلاش کرده تا از قابلیت های نمادین و طبیعی بافت جغرافیایی اثر در جهت بســـط معنایی فیلمش استفاده کند. مثلا در میان این نشانه های طبیعت گرایانه می توان به مرداب اشاره کرد که هم به عنصر مکانی درام بدل می شود و هم به کمک پیام فیلم آمده و مرداب گونگی آدمی را در سقوط اخلاقی اش بازنمایی می کند. گویی اینکه مرداب خود به شخصیت اصلی قصه بدل شده و جان می گیرد. مانورهای تصویری و بازنمایی های بصری از داخل و بیرون مرداب و آنچه که از ماهیت آن بر می آید به مهمترین سویه داستان بدل شده تا این گزاره اخلاقی را به تصویر بکشد که حرص و طمع همچون مردابی است که آدمی را در خود فرو برده و می بلعد.

این سیب هم برای تو / یک بازگشت ناپخته به ملودرام های احساسی/ فانتزی خام دســـتانه. نه فقط روایت و شخصیت پردازی که حتی قصه هم تکراری و نخ نما شده است. بی وفایی یک مرد به خاطر موقعیت اقتصادی بهتر دوست نامزدش و ازدواج با او و انتقام گیری دختر و درنهایت اقدام انقلابی/اخلاقی دختر در پایان فیلم برای رهایی پس از زندان. **این سیب هم برای تو** فارغ از منطق روانشناختی در قالب تیپ سازی های کلیشـــه ای به طرح کاراکترهای می پردازد که در یک مثلث عشق و انتقام درنهایت می خواهد شدت وفاداری زنانه را به نامردی های مردانه به رخ بکشد. بازی های فیلم تصنعی، شخصیت های تیپکال و سطحی و در نهایت قصه ای که یک فیلمفارسی شیک است و به جای متاثر کردن تماشاگر موجب خنده او می شود.

جدول ارزشگذاری فیلم‌های جشنواره فیلم فجر

★★★★ عالی ★★★ خیلی خوب ★★ خوب ★ متوسط ● بی ارزش

	محسن آزاددل	مجتبی اردشیری	فرهاد خالدار	احمد شاهوند	سیدرضا صائمی	زرنوش محمدی	محمدرضا مقدسیان	امیررضا نوری پرتو
خداحافظی طولانی	★	★	-	★	★	★	★½	½
چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت	★★	★★	-	★★	-	★★★	½	½
حکایت عاشقی	-	●	-	-	-	-	●	●
خانه دختر	★★	★	★	★½	-	★½	★★	½
این سیب هم برای تو	●	●	●	-	-	-	-	-

بیستون

فرهاد خالدار

فریاد زیر آب

* **بوفالو** شروع جذاب و غافلگیرکننده ای دارد. حضور پسر و دختر جوان در شهر ساحلی شمال کشور و رابطه کنجکاوی برانگیز آن دو که با غرق شـــدن ناگهانی شـــخصیت پیمان (هومن سیدی) در مرداب انزلی همراه می شـــود به درســـتی فیلم را در مسیری می اندازد که پیگیری مخاطب را برمی انگیزد. با ورود شخصیت بهرام بوفالو (پرویز پرستویی) که به نظر می رسد شخصیت محوری فیلم است، انتظار می رود فیلم در مسیر اصلی بغلطد که در کمال تعجب،ضعف های ســـاختاری فیلم از همین جا بیشتر به چشم می آید. بهرام بوفالو که آپاراتچی سینماست در امر غواصی نیز تبحر ویژه ای دارد. چشـــمانش ضعیف شده و رابطه ای سرد با دختری کـــر ولال (پانته آ پناهی ها) و خانواده اش دارد. این ها المان های ظاهری این شخصیت است اما فیلم در عمق بخشیدن به گذشته بهرام ناکام می ماند. به قول دیالوگی که دو بار در فیلم بر آن تاکید می شود آدم ها شبیه جایی می شوند که در آن زندگی می کنند. بهرام نیز ظاهراً خود را همچون مردابی بی ثمر می بیند ولی چرایی رفتارها و واکنش هایش گنگ و مبهم می می نماید. رفتن چندباره به زیر آب و تلاش برای دست یافتن به محتویات داخل کیف در فضایـــی ابهام انگیز میان رؤیا و واقعیت به تصویر در آمده اســـت. همچنان که شخصیت دختر کر و لال نیز لنگ می زند. در نهایت کاوه سجادی حسینی در مقام کارگردان نمی تواند شروع جالب توجه دقایق ابتدایی فیلم خود را تا اواسط تداوم بخشیده و با پایان بندی عجیب، فیلم را به پایان می برد. در این میان تنها بازی قابل قبول سهیلا گلستانی و فیلمبرداری جالب توجه علیرضا برازنده در سکانس های زیر آب است که در ذهن می می ماند.

* آخرین ساخته ی سیروس الوند هیچ نشانی از حضور کارگردانی با تجربه ندارد. **این سیب هم برای تو** یادآور فیلمفارسی های متعلق به چند دهه پیش اســـت. با همان سهل انگاری های گل درشت، ایرادات آشـــکار و البته آزاردهنده. فیلم قصه ی دختری به نام بیتا (رعنا آزادی ور) است که در شب عروسی دوستش شایسته (پریناز ایزدیار)، متوجه می شود داماد (پژمان بازغی)، نامزد سابقش است و این قضیه او را درگیر مســـائلی می کند. در این میان شخصیت های دیگری نظیر پدر (چنگیز جلیلوند) و برادر شایسته (امیر علی دانایی) هســـتند که هر دو اتفاقاً شیفته بیتا شده و قصد ازدواج با وی را دارنـــد. همین تعریف دو خطی از قصه فیلم نشـــان دهنده عمق فاجعه است. بسیاری از اتفاقات فیلم بر اساس عنصر تصادف شـــکل می گیرد. ماشین عروسی که به صورت تصادفی در جلوی چشمان بیتا سبز می شـــود تا آدم هایی که به طور کاملاً اتفاقی و بدون پیش زمینه قبلی ســـد راه هم می شـــوند و پس از ایفای نقش های پر از علامت ســـؤال خود از برابر دیدگان متحیر زده ی تماشاگر محو می شوند. این چنین است که **این سیب هم برای تو** به یک کمدی ناخواسته تبدیل شده است. کمدی ناخواسته ای که شخصیت هایش به طرز عجیبی معلق هستند و دیالوگ های رد و بدل شـــده میان آن ها به شدت توی ذوق می زند. کاش الوند قید حضور فیلمش در بخش خارج از مسابقه را هم می زد تا این چنین فیلم و عواملش در حضور عوامل رسانه مورد استهزاء واقع نشده و موقعیت فیلم در اکران عمومی تحت شعاع قرار نگیرد.

برداشت سی و سه

محسن آزاددل

چراغ جشنواره روشن شد

* ایدئولوژی اصلی سیروس الوند در فیلم **این سیب هم برای تو** بدون شک در سینمای ایران بی رقیب است. فیلم جدید الوند به فیلمی تبدیل شده که اساسا بویی از منطق روایی نبرده و در برخی لحظات به یک کمدی ناخواســـته هم تبدیل شده است. که با دیالوگ «بیتا همانند باغ میوه ای است که یک سیب هم دست آدم نمی دهد» به اوج خود می رسد. فقط کافی بود یک کودک هم به رعنا آزادی ور پیشنهاد ازدواج می داد تا همه چیز تکمیل شود. فیلم الوند همان سوژه های نخ نماشده خیانت و مثلث عشـــقی که در فیلم های قبلی او مثل «پرتقال خونی و «تله» و... کم و بیش دیده بودیم را تکرار می کرد با این تفاوت که کار از مثلث و مربع عشقی هم گذشته بود.در این فیلم برای اولین بار در ســـینمای ایران پدر و پسر را در موقعیت دو رقیب عشقی می بینیم، علاوه بر این الوند با دیالوگ های بعضا مضحک و اتفاقات بی منطق ســـعی دارد از فیلم نتیجه ای که دلش می خواهد را بگیرد که قطعا نتیجه این اتفاق چیزی جز کف و سوت دسته جمعی نخواهد بود. عجیب است که سیروس الوند با این همه سابقه فیلمسازی هنوز نتواند یک عشق ساده را در فیلمش دربیارود و عجیب تر آنکه نتواند بازیگران مستعدی همچون رعنا آزادی ور را هدایت کند و بازی خوبی ازشان بگیرد.

* فرزاد موتمن همانگونه که می گوید به ســـاخت فیلم عشقی علاقه دارد و مشخص است که **خداحافظی طولانی** در مجموع فیلم فکر شـــده و حساب شده ایســـت.دقت بالای موتمن در منطق نـــور و رنگ فیلم با توجه به کمرنگ شـــدن و پر رنگ شـــدن شخصیت های ماهرو و طلعت ســـتودنی است ولی در نهایت **خداحافظی طولانی** از آن دســـته فیلمهایی است که از خوب درنیامدنش ناراحت می شـــویم. فضاسازی خوب موتمن با فیلمنامه خوبی همراه نشـــده و ریتم کند که از مشـــکلات اصلی فیلم های این دوره اســـت در **خداحافظی طولانی** هم به وضوح مشـــخص است.بازی سعید آقاخانی با توجه به اینکه روی شخصیتش آنچنان که باید و شـــاید کار نشده بود بازی استانداردی بود ولی اگر روی شخصیت بیشتر کار می شد قطعا یک بازی فوق العاده از سعید آقاخانی شاهد بودیم.

* **چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت** فیلم اول وحید جلیلوند تا این لحظه تنها فیلم جشنواره امسال است که به جرات میگوییم فیلم خوبی است و نشان از یک کارگردان کاربلد دارد. حسین مهکام با ســـوژه ی جدید و فیلمنامه پر کششی نوشته که چندین بار در طـــول فیلم با تعلیق های خوبی همراه اســـت. ضمن اینکه بازی های خوب برزو ارجمند، امیر آقایی و ســـحراحمدپور در موفق تر شدن فیلم نقش عمده ای دارد.اشاره بسیار خوب این فیلم به برخی مشـــکلات اجتماعی یکی دیگر از خصوصیات مثبتش است، خاصه سکانسی که امیر آقایی و شاهرخ فروتنیان در حـــال گزینش کردن از بین فرم های ثبت نام دریافت وجه ۳۰ میلیونی هستند که می توان گفت به ثبت نام یارانه ها اشاره دارد. همچنین موسیقی بسیار خوب کارن همایونفر در خدمت فیلم اســـت و به خوبی فضای ملتهب فیلم را در ذهن مخاطب متبادر می کند.

فیلم های روز

سودای سیمرغ (مسابقه سینمای ایران)

مرگ ماهی

سیدروح ا... حجازی

● **بازیگران:** نیکی کریمی، علی مصفا، طناز طباطبایی، بابک حمیدیان، سحر دولتشاهی، پانته‌آ بهرام، ریما رامین‌فـــر، بابک کریمی، بهرنگ علوی، حســـام محمـــودی، مهرداد میرکیانی، مروارید کاشیان، کیمیا مرادیان، ملیکا پارسا، حسام رحیمی‌منش

● **خلاصه داستان:** همیشه فکر می‌کردم ماهی‌ها موقع مردن، وقتی لب می‌زنن، یه چیزی می‌خوان بگن که من اونو نمی‌شنوم...

● **درباره کارگردان:** «مرگ ماهی» چهارمین فیلم ســـینمایی و آخرین بخش از سه گانه‌ی حجازی پس از فیلم های «زندگی خصوصی آقا و خانم میم» و «زندگی مشـــترک آقای محمودی و بانو» است که گفته می‌شود تفاوت زیادی با دو قسمت قبل دارد.

تگرگ و آفتاب

رضا کریمی

● **بازیگران:** پریوش نظریـــه، جواد عزتی، اصغر همت، پیام دهکری، ناهید مســـلمی، زهرا سعیدی، مهران احمدی، سحر قریشی، کسری عزیزا، پردیس احمدی

● **خلاصه داستان:** فیلم، روایت تازه ای از دوران دفاع مقدس است.

● **درباره کارگردان:** «تگرگ و آفتاب» پس از فیلم های «عشق + ۲»، «تب»، «انعکاس» و «آدمکش» جدیدترین ساخته رضا کریمی در مقام کارگردان اســـت. فیلم کاملا در ســـکوت خبری ساخته شد و در آخرین دقایق به بخش سودای سیمرغ اضافه شد. همچنان «انعکاس» بهترین فیلم کریمی است.

شکاف

کیارش اسدی زاده

● **بازیگران:** هانیه توسلی، بابک حمیدیان، پارسا پیروزفر و سحر دولتشاهی

● **خلاصه داستان:** روایت زوج جوانی است که ناخواســـته برای مدت کوتاهی از فرزند دوست خود نگهداری می‌کنند اما حادثه ای برای کودک باعث می شـــود که زندگی این زوج به بحران کشیده شود.

● **درباره کارگردان:** «شکاف» پس از «گس» که تا کنون موفق به دریافت پروانه نمایش عمومی نشده است دومین ساخته کیارش اسدی زاده در مقام کارگردان است. «گس» اولین ساخته اسدی زاده که اسفند سال گذشته تنها یک نمایش برای اهالی رسانه در وزارت ارشاد داشت، همچنان در محاق توقیف است.

نگاه نو (مسابقه فیلم های اول)

احتمال باران اسیدی

بهتاش صناعی ها

● **بازیگران:** شـــمس لنگرودی، مریم مقدم، پوریا رحیمی، ارسلان عبدالهی، عیسی حســـینی، حبیب پور سیفی، پروین ملکی، امان رحیمی و ...

● **خلاصه داستان:** منوچهر شصت ســـال ســـن دارد، او بازنشســـته اداره دخانیات اســـت. ولی از ســـر بیکاری همچنان هر روز به اداره می رود. مادرش تا زنده بود آرزو داشت ازدواجش را ببیند. در حالی که منوچهر حتی دوستی هم در زندگی نداشته ... به جز خسرو ...

● **درباره کارگردان:** بهتاش صناعی‌ها در کارنامه خود پیش از این ساخت آثار متعددی را در زمینه فیلم کوتاه، مستند و انیمیشن داشته است.